

بررسی دیدگاه انتقادی فمینیسم رادیکال بر «منع سقط جنین در الهیات مردسالارانه»

علیرضا آل بویه^۱

نرجس رودگر^۲

زینب کبیری^۳

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی یکی از استدلال‌های فمینیست‌های رادیکال بر جواز سقط جنین است که با نفی الهیات مردسالارانه کتب مقدس گره خورده است. آزادی زنان از ستم مردانه، یکی از مهم‌ترین آرمان‌های فمینیستی است که به ادعای فمینیست‌های رادیکال، شاخصه مهم حمایت از این آرمان، آزادی سقط جنین است. رادیکال فمینیست‌ها بیش از دیگر گرایش‌های فمینیستی از حق انتخاب زنان برای آزادی مطلق سقط جنین دفاع کرده‌اند. از نظر مری دیلی، رزماری رویتر و ویت بک، زن در الهیات کتب مقدس جایگاه پست و فرودستی داشته، از نظر جسمی و عقلانی موجودی ناقص معرفی شده است. در این دیدگاه، مردان کنترل‌کننده و مالک زندگی زنان هستند و زنان هیچ حقی درباره جنین‌ها و کودکان خود ندارند. به همین دلیل، فمینیست‌های رادیکال ضمن انتقاد از دیدگاه الهیاتی کتب مقدس، آزادی سقط جنین را گامی مهم برای رهایی زنان از ستم مردان دانسته، آن را اخلاقی می‌دانند. در مقاله حاضر استدلال این گروه از فمینیست‌های رادیکال بر جواز سقط جنین با روش تحلیلی و علی مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: فمینیسم رادیکال، ستم جنسی، الهیات مردسالارانه، سقط جنین، مری دیلی، رزماری رویتر، ویت بک

۱. هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی Alireza Alebouyeh@gmail.com

۲. هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه n.roodgar@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه باقرالعلوم (ع)، استاد جامعه المصطفی العالمیه (ع)، استاد و پژوهشگر جامعه

الزهرا زکابیری zekabiry@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۱/۱۸

مقدمه

فمینیسم گاه جنبشی فکری و زمانی نهضتی سیاسی خوانده می‌شود که به دنبال اجرای عدالت برای زنان و پایان دادن به تبعیض جنسی در همه اشکال آن است. فمینیست‌ها درباره اینکه تبعیض جنسی شامل چه چیزی می‌شود و در مبارزه با آن چه اقدامی باید کرد، اختلاف نظر دارند؛ اما بر این نکته متفق‌اند که ظلم به زنان و عدم آزادی آنان، نمودهای مختلفی در جامعه داشته است و مردان در طول قرن‌ها، زنان را تحت سلطه خود گرفته‌اند (دایره المعارف استنفورد فلسفه آنلاین، ۲۰۱۳). دفاع از جواز سقط جنین، گرچه استراتژی مشترکی برای گرایش‌های مختلف فمینیستی است، بیشترین مبارزات برای آزادی سقط جنین از سوی فمینیست‌های رادیکال صورت گرفته است. آنان تلاش کرده‌اند با اثبات این نکته که زنان به دلیل جنسیتشان تحت ستم‌اند، آزادی سقط جنین را نمادی از آزادی زنان نشان دهند. از نظر ایشان، یکی از مهم‌ترین علت‌های تحت ستم بودن زنان در جوامع مختلف، الهیات مردسالار کتب مقدس است که منشأ مردسالاری و ستم جنسی بر زنان شده است.

الهیات فمینیستی، رویکردی انتقادی - فمینیستی به مسائل زنان در قلمرو دین است. الهی‌دانان فمینیستی به مسائلی که در کتاب مقدس راجع به زنان مطرح شده - نظیر اینکه مردان در مقایسه با زنان شبیه‌تر به خداوند هستند و در مقام رهبران جامعه می‌توانند نماینده خدا باشند یا زنان خلق شده‌اند تا تحت فرمان مردان باشند و در صورت سرپیچی گناه کرده‌اند و ... - انتقاد دارند و به دنبال تفسیری زنانه از نمادهای الهیاتی هستند (رویتر، ۱۳۹۳، ص ۲۲-۲۳).

در واقع، الهیات فمینیستی به دنبال فهم جدیدی از الهیات سنتی و نشان دادن سیطره مردسالاری در دین و کلیساست و می‌کوشد با دید انتقادی خود، سنت یهودی - مسیحی را بازبینی و الهیات سنتی مطرح شده در کلیسا را با دید فمینیستی به الهیات جدید و بازبینی شده تبدیل کند. الهی‌دانان فمینیستی تلاش می‌کنند تناقض‌های کتاب مقدس را بیابند و در برابر سؤالات اخلاقی برگرفته از رویکرد جنسیتی قرار دهند (مهدوی حاجی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸).

گرچه در منابع فارسی مقالاتی نظیر «شکل‌گیری الهیات فمینیستی مسیحی» نوشته رزماری رادفورد رویتر، ترجمه محمدامین خوانساری و «تفاسیر فمینیستی از فصل شانزدهم سفر پیدایش از کتاب مقدس و نقد آن» (داستان ازدواج حضرت ابراهیم علیه السلام با هاجر) نگاشته روح‌الله مهدوی حاجی یافت می‌شود، ولی در زمینه دیدگاه انتقادی فمینیسم رادیکال بر ممنوعیت سقط جنین

در الهیات مردسالارانه، تا کنون مقاله‌ای به زبان فارسی منتشر نشده است. بنابراین، در این مقاله تبیین مدعای فمینیست‌های رادیکال و نقد ادعای آنان را در چهار مرحله پی می‌گیریم: ۱. تبیین تحت ستم بودن زنان از دیدگاه فمینیسم رادیکال؛ ۲. معرفی الهیات مردسالارانه به عنوان منشأ ستم به زنان؛ ۳. مسئله سقط جنین در الهیات مردسالارانه؛ ۴. تقریر استدلال و نقد آن. رشد روزافزون افکار فمینیستی به بهانه دفاع از آزادی زنان و جذاب بودن ظاهر استدلال‌های آنان، اهمیت پرداختن به این مسئله را روشن می‌سازد. در این مقاله استدلال‌های مری دیلی،^۱ رزماری رویتر^۲ و ویت بک^۳ را بر جواز سقط جنین با رویکرد مبارزه با الهیات مردسالارانه کتب مقدس بررسی و نقد خواهیم کرد.

۱. فمینیسم رادیکال و تبیین تحت ستم بودن زنان

فمینیسم سه دوران مهم تاریخی (سه موج) را پشت سر گذاشته است. فمینیست‌های موج اول بیشتر از تساوی و برابری حقوق زنان با مردان دفاع می‌کردند؛ در حالی که موج دومی‌ها به دنبال ترویج افکار تندرو و فعالیت‌های انقلابی بودند. گرچه بعدها فمینیسم در موج سوم به اعتدالی نسبی رسید، ولی شعار مشترک همه فمینیست‌ها، مبارزه علیه تبعیض جنسی و ستم وارد شده به زنان بود. در این میان، رادیکال فمینیست‌ها که از مهم‌ترین گرایش‌های موج دوم هستند، بیش از دیگر گرایش‌ها خواستار آزادی زنان در امور مربوط به خودشان بودند. آنان واژه‌های «آزادی بخشی» و در مقابل، «سرکوب زنان» را واژگان کلیدی در فعالیت‌های خود می‌دیدند؛ زیرا معتقد بودند زنان در طول تاریخ، به شدت از طرف مردان تحت ستم بوده‌اند و هر مرد دست‌کم بر یک زن - در خانواده

۱. Mary Daly: فیلسوف فمینیست رادیکال امریکایی و دارای مدرک دکترای الهیات و فلسفه مقدس (کاتولیک) از دانشگاه فرایبورگ سوئیس و دکترای دین از کالج سن مری است. او بسیار تحت تأثیر فلسفه فمینیستی سیمون دوبوار قرار گرفت و به تدریج از فردی کلیسایی سخت‌گیر به شخصی رادیکال تبدیل شد و مسیحیت و فرهنگ‌های مردسالارانه را کنار گذاشت و برای ایجاد معنویت فمینیستی در مقابل گفتمان حاکم تلاش کرد. شهرت او بیشتر بعد از نگارش کتاب *فراسوی خدا/ی پدر* بود که در آن به تبیین پدرسالاری تاریخی و ستم بر زنان در قالب مذهب پرداخته است (رویتر، ۱۳۹۳، ص ۳۰).

۲. Rosemary Radford Ruether: از الهی‌دانان فمینیست مسیحی آمریکایی و متکلم کاتولیک که صاحب بیش از ۶۰۰ مقاله و ۳۶ کتاب در زمینه فمینیسم و الهیات فمینیستی است. او استاد دانشگاه هاروارد دانشکده الهیات در سال ۱۹۶۵ بود (همان، ص ۲۱ و ۳۰).

۳. Caroline Whithbeck: دکترای فلسفه از مؤسسه فناوری ماساچوست، استاد اخلاق دانشگاه وسترن و استاد فلسفه دانشگاه امریتا، بنیان‌گذار مرکز اخلاق آن لاین و مرکز توسعه منابع در حوزه اخلاق مهندسی. ابتکار او ترکیب فلسفه علم، فناوری، پزشکی، اخلاق عملی و فلسفه فمینیستی است. <http://www.onlineethics.org>

- اعمال قدرت دارد. از نظر آنان به دلیل ستم جنسی وارد شده بر زنان، رهایی زنان و هر آنچه در راستای آزادی آنها باشد، هدف مشترک فمینیست‌هاست (بیسلی، ۱۳۸۵، ص ۹۱).

فمینیست‌های رادیکال راه حل مشکل زنان را در برابری آنان با مردان نمی‌دیدند؛ بلکه معتقد بودند خود مردان مشکل اصلی و گروه ستم‌گردد. رادیکال‌ها اعتقاد داشتند مردان در همه عرصه‌ها بر زنان ستم کرده و آنان را به موقعیت فرودست کشانده‌اند؛ به همین دلیل، به دنبال برهم زدن نهاد مردسالاری در تمامی حوزه‌ها بودند. آنان تنها راه حل مشکل نابرابری جنسی را، تغییری بنیادی و انقلابی می‌دانستند و می‌کوشیدند با افزایش آگاهی در میان زنان، ستمی را که بر آنان می‌شود و راه رفع آن را آشکار سازند (مشیرزاده، ۱۳۸۲، ص ۲۶۶-۲۶۷).

به اعتقاد فمینیست‌های رادیکال، تبعیض جنسی و ستم به زنان همواره در طول تاریخ رواج داشته است. برای نمونه، ویت بک معتقد است ارسطو زن بودن را نقص بزرگی می‌دانست؛ زیرا به اعتقاد او، ساحت عقلانی و منطقی روح که انسان را از حیوان متمایز می‌کند، در زن وجود ندارد و زنان تنها نگهدارنده نطفه مردان هستند و حتی به عنوان یکی از والدین نیز به شمار نمی‌آیند (ویت بک، ۱۹۹۸، ص ۴۳۱-۴۳۳). در قرن هفدهم نیز مردان نه تنها کنترل کامل زنان و اموالشان را بر عهده داشتند؛ بلکه در صورتی که زنان مرتکب خطایی می‌شدند، برای خود این حق را قائل بودند که آنها را حبس کنند و تا سرحد مرگ کتک بزنند. در این دوران چنین پنداشته می‌شد که زن تنها وظیفه نگهداری جنین را دارد؛ اما در مقام مادر و والد فرزند، حقی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به او را ندارد. در این دیدگاه، جنین، نطفه مرد و انتقال‌دهنده هویت اوست و به این دلیل با ارزش است؛ اما زن باردار و خواسته‌هایش، ارزش مستقل نداشته، حق توجه ندارد؛ زیرا آنان معتقد بودند زن در خانواده صرفاً وسیله‌ای برای اهداف مرد است (همان). ویت بک بیان می‌کند که روسو^۱ در کتاب *امیلی*^۲ شواهد و مدارک بسیاری درباره آداب و رسومی آورده است که زنان را ابزاری برای اهداف مردان معرفی می‌کند. برای نمونه، در این کتاب زن به عنوان مخلوقی ناقص و شرور برای اطاعت از مرد خلق شده و به همین دلیل باید بدون هیچ شکایتی از همسرش اطاعت کند و به بی‌عدالتی‌ها تن دهد (همان، ص ۴۴۲). بین حیات مادر و جنین، باید حیات مادر فدا شود؛

1. Rousseau

2. Emile

زیرا مادر غسل تعمید یافته و می‌تواند به بهشت رود و عاقبتی نیکو یابد؛ ولی جنین برای همیشه به برزخ اختصاص یافته است و باید برای نجات او چاره‌ای اندیشید (دوبوار، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۰۶).

به اعتقاد ویل دورانت^۱ در عصر حاکمیت کلیسا، زن همان کسی بود که عامل رانده شدن آدم از بهشت برین معرفی شده بود؛ لذا از او به عنوان وسیله‌ای برای اغفال مردان و فرستادن آنها به دوزخ یاد می‌شد (دورانت، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۴۸۵-۴۸۶). برتراند راسل، فیلسوف مشهور انگلیسی نیز معتقد است کلیسای کاتولیک، زن را دروازه جهنم و امّ الفساد می‌دانست و این تفکر را به زنان القا می‌کرد که زن باید از زن بودن خود شرم‌منده باشد و به دلیل لعنتی که با خود به این جهان آورده، مدام در حال توبه و نوحه به سر برد. زن باید از زیبایی خویش نیز شرم‌منده باشد؛ زیرا قوی‌ترین ابزار فریب شیطان است (راسل، ۱۳۵۴، ص ۷۳). سرانجام در دهه ۱۹۷۰ مخالفت با الهیات کلیسا آغاز و مجله کانسیلیوم^۲ برای ترویج الهیات فمینیستی منتشر شد. شورای جهانی کلیسا نیز همایشی در برلین برگزار کرد که موضوع آن، تبعیض بر اساس جنسیت بود (تاجور و پورطماسی، ۱۳۸۸، ص ۳۴). مستنداتی از ستم و تبعیض علیه زنان در آموزه‌های الهیاتی کتب مقدس به عنوان شاهد مثال‌هایی بر مدعاهای فمینیستی به شرح زیر است:

الف. کتاب مقدس انجیل

- زن شایسته آموزش نبوده، عامل به گناه کشیده شدن آدم و هبوط او به زمین است: «زن باید در آرامی و تسلیم کامل تعلیم گردد. زن را اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر مرد مسلط شود؛ بلکه باید آرام باشد؛ زیرا نخست آدم سرشته شده و بعد حوا. و آدم فریب نخورد؛ بلکه زن بود که فریب خورد و نافرمان شد. اما زنان با زادن فرزندان (مادر شدن) رستگار خواهند شد، اگر در ایمان، محبت و قداست، نجیبانه ثابت بمانند» (رساله اول تیمائوس، باب دوم، آیات ۱۱-۱۵، ص ۹۷۴).
- زن در امور اجتماعی نباید دخالت کند و باید کاملاً به همسرش وابسته باشد: «و زنان شما در جماعت‌ها خاموش باشند؛ زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست؛ بلکه اطاعت نمودن، چنان‌که در شریعت گفته شده است. اما اگر می‌خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران

1. Will Durant

2. Journal of the Concileum

خود پیرسند؛ چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است» (اول قرن‌تینان (گُرنتیان)، باب ۱۴، آیات ۳۴-۳۵، ص ۸۵۸).

- مردان بر زنان برتری دارند؛ به همین دلیل، اطاعت زن از مرد در خانواده، امری لازم و ضروری است: «زنان مطیع شوهران خویش باشند؛ چنان‌که مطیع خداوند هستند؛ زیرا شوهر سرور زن خویش است؛ همچنان‌که مسیح سرور کلیساست» (افُسیان، باب ۵، آیات ۲۲-۲۴، ص ۹۲۶).
- زن برای مرد خلق شده؛ لذا ناقص و فرودست‌تر از مرد است: «مرد نباید سر خود را بیوشاند؛ زیرا او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است؛ زیرا مرد از زن پدید نیامده، بلکه زن از مرد پدید آمده است. مرد برای زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد آفریده شده است» (اول قرن‌تینان (گُرنتیان)، باب ۱۱، آیات ۵-۱۰، ص ۸۴۷).

ب. کتاب مقدس تورات

- «خویشتن را تسلیم دستان زن مساز؛ مبدا بر تو چیره شود» (کتاب یوشع بن سیرا، باب ۹، آیه ۲، ص ۴۵۵).
 - «هر شرارتی برابر شرارات زن هیچ است؛ باشد که قرعه گنه‌کاران بر نام او افتد» (همان، باب ۲۵، آیه ۱۹، ص ۵۱۴).
 - «و با زنان منشین؛ چه از جامه بید بیرون شود و از زن خباثت زنانه. خباثت مرد به از نیکی زن است. زن شرمساری و نکوهش به بار آورد» (همان، باب ۴۲، آیات ۱۳-۱۴، ص ۵۷۲).
- فمینیست‌های رادیکال معتقدند باید به این ستم تاریخی مردان پایان داد و با علل و منشأ آن مبارزه کرد. به اعتقاد آنان، تبعیض علیه زنان سبب شده آنها از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی و ... فرودست باقی بمانند و همچون برده‌هایی در خانواده یا اجتماع تحت سلطه مردان باشند. بنابراین، باید از الهیات مردسالارانه رهایی یافت و حق سقط جنین باید در اختیار زنان باشد و هیچ زنی نباید به دلیل این تصمیم تحت فشار، ستم یا توبیخ مردان (همسر یا پدر) قرار بگیرد؛ بلکه باید آزادانه و بدون دخالت دیگران بتواند درباره امور خود تصمیم‌گیری نماید و تصمیم خود را عملی کند (مارکوویتز، ۱۹۹۸، ص ۳۹۲-۳۹۳).

۲. الهیات مردسالارانه منشأ ستم بر زنان

از دیدگاه برخی از فمینیست‌های رادیکال، نظیر مری دیلی، رزماری رویتر و ویت بک، برای رسیدن به آزادی زنان باید ابتدا به آزادی سقط جنین رسید؛ زیرا یکی از مظاهر دخالت مردان در امور زنانه، دخالت در تصمیم‌گیری درباره سقط جنین است. از دیدگاه آنان، یکی از مهم‌ترین علل رشد ستم‌های مردان بر زنان و دخالت در آزادی آنان، دستورات الهیاتی کتب مقدس است که همواره به ستم تاریخی مردان بر زنان دامن زده است. به ادعای رزماری رادفورد رویتر، اساس الهیات کتاب مقدس، برتری مردان در نظام آفرینش و فرودستی زنان است. این اندیشه اساساً نظام اجتماعی پدرسالار را با نظام طبیعی یا نظام الهی آفرینش یکی می‌داند. در چنین اندیشه‌ای، هرگونه تلاش برای واژگونی این نظام - خواه با اعطای استقلال به زنان یا دادن حقوق مساوی به آنان - طغیان و شورش علیه خدا محسوب گشته، آشوب‌های اجتماعی - اخلاقی را به دنبال خواهد آورد. این اعتقاد که برتری مردان، ذاتی نظام خلقت است، معمولاً این فرض صریح یا پوشیده را با خود دارد که خداوند مذکر است یا دست‌کم با نمادهای ناظر به سلطه پدرسالارانه نشان داده می‌شود (رویتر، ۱۹۸۷، ص ۲۰۷-۲۳۴).

رویتر معتقد است الهیات مقدس، به فرودستی زن در برابر مرد، به لحاظ اخلاقی، هستی‌شناختی و عقلی معتقد است. افزون بر این، زن به دلیل فرودست بودن، اگر مستقل عمل کند، گناه کرده است؛ زیرا او قبلاً با مستقل عمل کردن سبب هبوط بشر شده است. این دیدگاه بیانگر آن است که زنان زیرمجموعه‌ای از گروه‌های اجتماعی‌ای هستند که از سوءاستفاده‌های خاص و مضاعف رنج می‌برند. او مدعی است آگوستین قدیس در بحث خود درباره تثلیث اظهار داشته است که زن ذاتاً فاقد صورت خداست (روح مجرد ندارد) و انسانیت حقیقی ندارد. زن فقط جسم و طبیعت دارد؛ به همین دلیل، زن از جنسی دیگر، یعنی از جنسی پایین‌تر و ناقص‌تر از مرد است (همان).

آکوئیناس نیز همچون ارسطو تصریح می‌کند که نسل انسانی فقط از نطفه مرد حاصل می‌آید و زن تنها در بدن مادی‌ای که با نطفه مرد شکل می‌گیرد، اشتراک دارد. بنابراین، زن به عنوان موجودی که طبیعت ذاتی، بیولوژیکی و روانی‌اش پست‌تر از مرد است، توصیف می‌شود. در چنین اعتقادی، زن به لحاظ جسمانی ضعیف‌تر و از نظر قوای عقلانی پایین‌تر است؛ لذا شایسته ارتباطی برده‌وار و وابسته با مرد است. ممکن است زن در مقابل این درد و رنج‌ها شکایت کند؛ اما او باید بیاموزد که این درد و رنج‌ها را فقط به عنوان مجازاتی که از طرف خدا به او رسیده، بپذیرد. رویتر

بیان می‌کند که سرانجام در قرن نوزدهم، جنبش فمینیسم شکل گرفت که در آن زنان فرودست‌تر از مردان معرفی نمی‌شدند و در حقیقت زنان از بسیاری جهات متفاوت از مردان تلقی می‌گشتند. او چنین دیدگاهی را گامی مثبت در راه آزادی زنان در امور مربوط به خودشان می‌داند (همان).

۳. الهیات مردسالارانه و مسئله سقط جنین

مری دیلی مدعی است الهیات کتب مقدس سبب شده تسلط مردانه در طول هزاران سال تثبیت شود (دیلی، ۱۹۸۵، ص ۴۷). او معتقد است راه مبارزه با تسلط مردان بر امور زنان، نقد آموزه‌های الهیاتی کتب مقدس بوده، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های الهیاتی، مجاز نبودن زن به سقط جنین است. از نظر او، آزادی سقط جنین گامی سرنوشت‌ساز برای آزادی زنان است و عدم جواز سقط جنین، بازتاب تسلط مردانه و شرفراگیر مردسالاری در جامعه است (همان). به اعتقاد دیلی، مردان مخالف سقط جنین هستند؛ زیرا جنین را نطفه خود و متعلق به خویش می‌پندارند و در واقع در صدد تسلط یافتن بر زنان هستند. از نظر او، مردان می‌ترسند اگر زنان از بچه آوردن امتناع کنند، ممکن است از خواستن مردان نیز امتناع ورزند (برانچ، ۲۰۰۴، ص ۴).

به گفته ویت بک در الهیات کتب مقدس، زنان هیچ حقی در خصوص جنین خود ندارند. آنان فقط پرورش‌دهنده نطفه مردان هستند؛ بنابراین، زنان حق ندارند بدون موافقت مردان جنین خود را سقط کنند. وی این طرز تفکر را نظریه «گلدان تولید مثل» نامیده است. او معتقد است همان‌گونه که گلدان صرفاً ظرفی برای نگهداری دانه گل است و هیچ نقش دیگری در شکل‌دهی به گل و پرورش آن ندارد، زنان نیز صرفاً وسیله‌ای برای تولید مثل مردان بوده، فقط وظیفه نگهداری فرزندان آنان را دارند. به گفته او در کتاب مقدس انجیل، رتبه زن در برابر مرد، همچون رتبه مرد در برابر حضرت مسیح علیه السلام معرفی شده است و زن خلقت مستقل ندارد؛ زیرا نخستین زن از یک مرد آفریده شده است. بنابراین، وی معتقد است در الهیات کتب مقدس، زنان همتای مردان نیستند؛ بلکه ابزار لازم برای اهداف مردان‌اند (ویت بک، ۱۹۹۸، ص ۴۳۱-۴۳۳). سرانجام وی نیز نتیجه می‌گیرد که برای رسیدن به آزادی زنان و قطع دخالت‌های مردانه در امور مخصوص به زنان، باید ابتدا به آزادی سقط جنین رسید و برای رسیدن به این امر باید با آموزه‌های الهیاتی کتب مقدس مبارزه کرد.

استدلال فمینیسم رادیکال بر رهایی از الهیات مردسالارانه به عنوان مبنای منع سقط جنین

صورت منطقی این استدلال به شرح زیر است:

- زنان تحت ستم مردان هستند و باید رهایی یابند.
- یکی از مهم‌ترین علل ستم بر زنان، الهیات مردسالارانه کتب مقدس است.
- نتیجه: زنان باید از الهیات مردسالار کتب مقدس رهایی یابند.
- اگر این نتیجه را مقدمه استدلال دیگری قرار دهیم، جواز سقط جنین از دیدگاه فمینیست‌ها تبیین می‌شود:

- در الهیات مردسالار کتب مقدس، زنان حق ندارند بدون موافقت مردان تصمیم‌گیری و اقدام به سقط جنین کنند (زیرا در چنین دیدگاهی، زنان فقط وسیله‌ای برای اهداف مردان هستند و حتی در خصوص جنین و کودک خود ندارند).
- زنان باید از الهیات مردسالار رهایی یابند.

نتیجه: زنان حق دارند بدون موافقت مردان تصمیم‌گیری و اقدام به سقط جنین کنند؛ به عبارت دیگر، سقط جنین باید کاملاً در اختیار زنان بوده، به انتخاب آنان بستگی داشته باشد.

برخی از فمینیست‌های رادیکال در تقریر دیگری از استدلال تحت ستم بودن زنان، خدای پدر و دستورات او را منشأ ستم به زنان معرفی می‌کنند. مری دیلی در کتاب *فراسوی خدای پدر* بیان می‌کند که تصور عمومی انجیل از خدا به عنوان یک پدر (مرد) بزرگ در آسمان است که پاداش می‌دهد یا مجازات می‌کند و اراده او بر میلیون‌ها انسان غالب است. به اعتقاد دیلی، تصور مردانه از خداست که به مردسالاری قدرت بخشیده و زنان را تابع مردان کرده است (دیلی، ۱۹۸۵، ص ۱۳). روزماری رادفور نیز معتقد است تصویرهای مردانه از خدا و عملکردهای خدای یهود (یهوه)، عامل مهمی در مقدس شمردن مردسالاری و اطاعت مطلق از مردان در همه امور بوده است (روزماری، ۱۹۸۳، ص ۶۱). او زنان را دعوت می‌کند که به جای پرستش یهوه که نماد مردسالاری است، به عبادت و پرستش الهه‌ها (رب‌النوع‌ها) روی آورند. در این آیین (پرستش الهه‌ها) انسان دارای روح و جسم نیست؛ بلکه فقط یک بعد مادی دارد و درون و برون او یکی است (همان، ص ۸۵).

مری دیلی و روزماری رویتز معتقدند مردان تصویری مردانه از خدا را به زنان القا کرده‌اند تا بر آنها تسلط داشته باشند و آنان را به اطاعت بی‌چون و چرا در مقابل دستورات خود وادارند؛ در نتیجه، باید از پرستش خدای پدر رهایی یافت و به پرستش الهه‌ها روی آورد. به اعتقاد آنان، در الوهیت

زنانه، قدرت مرگ و زندگی به دست زنان است. الهه باید برای زنان تصمیم بگیرد؛ زیرا او به مسائل و مشکلات زنان آگاه تر است و قدرت انتخاب را به زنان بازمی گرداند (برانچ، ۲۰۰۴، ص ۲-۵). بنابراین، سقط جنین باید در انتخاب زنان و به خواست آنان باشد.

جینت پاریس^۱ به زنان پیشنهاد می کند به جای اطاعت و عبادت خدای پدر، به پرستش آرتیمیس^۲ (یا الهه ماه و شکار)^۳ روی آورند. او معتقد است در الهه پرستی یا پرستش خدای مؤنث، مرگ و زندگی جنین به انتخاب زنان وابسته است، نه مردان و زنان کاملاً حق انتخاب و آزادی عمل دارند. او بیان می کند که در این آیین، سقط جنین عملی غیراخلاقی نیست که مجاز نباشد؛ بلکه صرفاً عملی فاقد ارزش گذاری است (پاریس، ۱۹۹۲، ص ۵۳، ۵۶ و ۹۲).

نقد استدلال فمینیست های رادیکال

به استدلال فمینیست های رادیکال اشکالات متعددی وارد است؛ از جمله:

۱. پذیرش ستم به جنین انسان به بهانه آزادی مادر

همان گونه که گذشت، فمینیست های رادیکال معتقد بودند از آنجا که در طول تاریخ به زنان ستم شده و آزادی تصمیم گیری از آنها سلب گردیده است، آزادی سقط جنین گامی مهم برای آزادی زنان و حق انتخاب آنان است. اکنون سؤال اینجاست که: معنای دقیق آزادی چیست و حدود آزادی تا کجاست؟ آیا آزادی به معنای بی مسئولیتی در قبال نتیجه تصمیم گیری های ماست؟ مسلماً کسانی که آزادی را می پذیرند، باید حدودی برای آن قائل باشند؛ زیرا آزادی مطلق به معنای سلب آزادی خودشان است. بنابراین، زنان برای رسیدن به آزادی مجاز نیستند حق حیات جنین را سلب کنند که انسانی بی گناه است و در ستم تاریخی به آنان هیچ دخالتی نداشته است. در واقع جنین بدون اینکه بخواهد و حق انتخاب داشته باشد به وجود آمده است و سیر طبیعی حیات خود را در رحم مادر طی می کند. او به مادرش وابسته است و به او نیاز طبیعی دارد. رحم مادر، مکان طبیعی تکون و رشد جنین و محیط زیست طبیعی اوست و هر انسانی باید به طور طبیعی این سیر درون

1. Ginette Paris

۲. آرتیمیس، الهه خالق زندگی و مرگ است (Artemis).

۳. الهه ماه و شکار؛ اسطوره ای یونانی است.

رحمی را طی کند (آل بویه، ۱۳۹۰، ص ۴۳). پس محروم کردن جنین از این حق طبیعی، نوعی ستم به اوست و به همان دلیل که فمینیست‌ها ستم را بد دانسته و برای رهایی از آن تلاش کرده‌اند، اکنون نیز باید بپذیرند ستم به جنین ناپسند است؛ به خصوص اگر جنین دختر باشد. حتی اگر بپذیریم همه زنان همواره در طول تاریخ تحت ستم بوده‌اند، باز این امر مجوزی برای ستم به جنین و سلب حیات او نیست؛ بلکه زنان باید عواملی را که موجب ستم به آنان شده، به درستی شناسایی و برای اصلاح آن تلاش کنند.

۲. عدم تمایز بین بارداری خواسته و ناخواسته

همان‌گونه که گذشت، فمینیست‌های رادیکال سقط جنین را مطلقاً جایز می‌دانند، در حالی که بین بارداری خواسته و ناخواسته تمایز وجود دارد.^۱ در بارداری خواسته، زن با اراده خود تن به رابطه جنسی داده است و باید به لوازم عمل خود پایبند باشد. انتخاب بارداری، در واقع نوعی تعهد و قبول مسئولیت است و زن نمی‌تواند پس از آن، به دلایل غیرمنطقی به بارداری خود خاتمه دهد. فرض کنید پزشکی تعهد می‌کند در طول مدت جراحی بیماری به عنوان مشاور تخصصی حضور داشته باشد، ولی در روز موعود به او پیشنهاد شرکت در مصاحبه تلویزیونی می‌شود و او بدون توجه به عواقب این تصمیم و عدم همکاری با تیم درمانی جراحی، به تعهد قبلی خود پایبند نبوده، با وجود تماس‌های مکرر بیمارستان اعلام می‌کند از این تصمیم پشیمان شده است و قادر به حضور در بیمارستان نیست. اگر بیمار یادشده به دلیل عدم حضور پزشک مشاور دچار آسیب جدی شود یا جان خود را از دست بدهد، آیا پزشک مشاور می‌تواند منصرف شدن خود را از این همکاری به دلیل حق تصمیم‌گیری هر فرد بر امور شخصی خود توجیه کند و از عواقب این تصمیم‌گیری برای بیمار طفره برود؟ آیا می‌توان از کنار چنین تصمیم‌هایی که آثار نامطلوبی بر دیگران دارند، بدون تعهد و احساس مسئولیت عبور کرد؟ در بارداری خواسته نیز زن نمی‌تواند به عواقب تصمیم خود درباره جنین بی‌تفاوت باشد. او در خصوص ادامه بارداری و حفظ حیات جنین مسئول است. وی در صورت عدم تمایل به بارداری می‌توانست برای پیشگیری از آن تمهیداتی بیندیشد تا مجبور به سقط نشود و جان انسانی بی‌گناه را به مخاطره نیندازد.

۱. این تمایز را نخستین بار جودیت جارویث تامسون در مقاله معروف و اثرگذارش با عنوان «در دفاع از سقط جنین» مطرح کرد (نک: آل بویه، ۱۳۹۰؛ ملایوسفی، ۱۳۸۸).

این مطلب در بارداری خواسته روشن است؛ اما به نظر می‌رسد در بارداری ناخواسته نیز شخص مجاز به سلب مسئولیت از خود نیست. مسلماً این‌گونه نیست که تمام وظایف خاص ما در برابر دیگران ناشی از اراده و خواست ما باشد. آیا می‌توان گفت موتورسواری که برحسب تصادف سبب مجروح شدن فردی شده است، هیچ‌گونه وظیفه‌ای درباره شخص مجروح ندارد، تنها به این دلیل که با خواست و اراده خود به او صدمه زده است؟ آیا فرد مستی که هنگام رانندگی تصادف می‌کند و موجب قتل نفسی می‌شود، حتی اگر قبل از رانندگی قصد کشتن کسی را نداشته باشد، مسئول عملش نیست؟ آیا می‌توان گفت فرزندان هیچ وظیفه خاصی در برابر والدین خود ندارند؛ چون با خواست و اراده خود این مسئولیت را نپذیرفته‌اند؟ (همان، ص ۴۱). ما در انتخاب بسیاری از امور آزاد نبوده‌ایم؛ در انتخاب پدر و مادر، همسایگان فقر، بستگان و... این عدم آزادی در انتخاب، مجوز بی‌مسئولیتی ما در قبال زندگی و مشکلات آنها نخواهد بود. ما دیون خاصی به والدین خود احساس می‌کنیم، در حالی که هیچ اراده و انتخابی در پذیرفتن نقش فرزندی نداشته‌ایم. در بارداری ناخواسته نیز شخص مجاز به سلب مسئولیت از خود نیست. زن حتی اگر قصد بارداری نداشته باشد، در برابر جنین که موجودی بی‌گناه است و حق حیات دارد، مسئول است. البته تصمیم‌گیری درباره سقط جنین در بارداری ناخواسته ناشی از نقص در وسایل جلوگیری از بارداری و در بارداری ناخواسته ناشی از تجاوز به عنف متفاوت به نظر می‌رسد.

باید پذیرفت که بارداری ناخواسته^۱ ناشی از نقص در وسایل جلوگیری از بارداری، در واقع بارداری ناخواسته نیست؛ زیرا نوعی رضایت تلویحی در آن نهفته است. آیا اگر زن به آمیزش جنسی تن نمی‌داد، بارداری تحقق می‌یافت؟ آمیزش جنسی، در واقع عملی است که بارداری نتیجه قابل پیش‌بینی آن است؛ بنابراین، لازمه رضایت به آمیزش جنسی، رضایت به بارداری نیز هست و زن نمی‌تواند به بهانه ناخواسته بودن بارداری، از مسئولیت اخلاقی خود در برابر حفظ جان جنین شانه خالی کند (بونین ویل، ۲۰۱۱، ص ۲۹۰).

اما تصمیم‌گیری درباره سقط جنین در بارداری ناشی از تجاوز به عنف با دشواری روبه‌روست. در تجاوز به عنف هرچند به زن ستم شده است و در ظاهر حق با اوست که با سقط کردن جنین، خود را از شر آثار و پیامدهای نامطلوب آن، از جمله عدم پذیرش از سوی نزدیکان، پیامدهای

۱. ناخواسته به معنای اجباری، اکراهی و اضطرابی معنا شده است. برخی به بازگشت بعضی از اقسام بارداری ناخواسته (نظیر اکراهی و اضطرابی) به بارداری خواسته معتقدند (برای مطالعه بیشتر، نک: آل بویه، ۱۳۹۰، ص ۵۴-۵۵).

روحي - روانی برای مادر، مشکلات اجتماعی، اقتصادی و... رها کند؛ اما سؤال مهمی که قبلاً مطرح شد، در اینجا نیز مطرح است: آیا زن با فرض اینکه مورد ستم قرار گرفته است، می تواند به جنین که موجودی بی دفاع است، ستم کند و او را از حیات محروم و سقط سازد، در حالی که جنین هیچ گناهی در این باره مرتکب نشده است یا اینکه باید حق خود را از شخصی مطالبه کند که به وی ستم کرده است؟ (کاکور، ۲۰۱۱، ص ۱۸۴).

متأسفانه هیچ چیز نمی تواند مانع پیامدها و آثار نامطلوب تجاوز به زن شود، با این حال تحمل و نگه داشتن جنین در چنین شرایط دشواری، عملی اخلاقی است. در واقع زن با تحمل بارداری، جان انسان بی گناهی را حفظ کرده، ستم به خود را از فرد سومی (جنین) که دخالتی در این ظلم نداشته، مطالبه نمی کند.

۳. غفلت از تعهدات خانوادگی

وقتی زن و مردی با هم پیمان زناشویی بسته، رابطه جنسی برقرار می کنند، تعهداتی به یکدیگر در خصوص فرزندآوری دارند که نمی توانند آن را نادیده بگیرند. فرزندان نیازمند محبت، فداکاری، توجه و صرف وقت و انرژی والدین خود هستند. آنان حق دارند به گونه ای کریمانه و سخاوتمندانه از محبت والدین خود بهره مند شوند. تأکید بیش از اندازه بر حقوق و آزادی های فردی، سبب فرسایش انرژی های نوع دوستانه ای می شود که لازمه نقش پدری و مادری است. فرزندان به حمایت های عاطفی، اقتصادی (نفقه)، امنیتی و... پدران خود نیاز دارند. اگر این گونه حمایت ها را جزء وظایف پدران می دانیم، باید بپذیریم که آنان نیز در تصمیم گیری درباره فرزندان خود حقوقی دارند. بسیار به دور از واقعیت است که گمان کنیم بدون داشتن روابط عاطفی و حقوقی پدران با فرزندان خود، می توانیم تمام مسئولیت های سنتی پدری را پابرجا نگه داریم (هیلویت، ۱۳۸۹، ص ۳۲-۴۹).

بنابراین، اینکه مردان در مقام پدر حق هیچ دخالتی در تصمیم گیری درباره سرنوشت جنین (حفظ یا سقط او) نداشته باشند و به طور کلی نادیده گرفته شوند، محروم کردن پدران از حقوق خود درباره جنین و در واقع نوعی ظلم به آنان و تکرار اشتباهات تاریخی گذشته است؛ چون در گذشته زنان از دخالت در سرنوشت فرزندانشان محروم شده بودند و حال آنکه امروزه آنان، پدران را از دخالت در تصمیم گیری درباره سرنوشت فرزندانشان محروم می کنند.

۴. تنافی با اصل ارزشمندی حیات انسان

اگر بپذیریم که حیات جنین فی نفسه ارزشمند است، زنان یا مردان، هیچ‌کدام به تنهایی حق دخالت در سرنوشت جنین را ندارند؛ زیرا ارزشمندی حیات جنین به دلیل ارزشمندی ذاتی حیات انسانی است، نه به دلیل وابسته بودن جنین به مرد یا زن. استدلال‌های گوناگونی در زمینه مجاز نبودن سقط جنین از منظر اخلاقی ارائه شده است؛ نظیر استدلال تقدس و ارزش ذاتی حیات انسان، انسان بالقوه بودن جنین، برخورداری جنین از آینده‌ای با ارزش شبیه به آینده ما و ...^۱ که به مسئله سقط جنین از این منظر پرداخته‌اند و فمینیست‌های رادیکال بدون رد کردن چنین استدلال‌هایی، نمی‌توانند درباره سقط کردن جنین به لحاظ اخلاقی تصمیم بگیرند.

۵. ایرادهای الهیاتی و استناد صفات مخلوق به خالق

مری دیلی و رزماری رویتر مدعی شدند تصور پدرسالارانه از خدا (خدای پدر در مسیحیت و یهوه در تورات) و دستورات مردانه او، به قوانینی انجامیده که قدرت انتخاب و آزادی را از زنان گرفته است؛ نظیر عدم جواز سقط جنین. بر این مدعا افزون بر اشکالات مطرح شده، نقد دیگری نیز وارد است: فیلسوفان رادیکال نظیر مری دیلی و رزماری رویتر، تفاوت و حد و مرز میان مخلوق و خالق را نامشخص فرض کرده‌اند. خداوند فراجنسیتی و مافوق مخلوقات است. او جهان را طبق حکمت و رحمت خود آفریده و به مصالح آن اشراف دارد. فمینیست‌ها خدا را الهه‌ای تصور می‌کنند که قدرت مرگ و زندگی را به دست زنان می‌سپارد. دیدگاه زنانه در الهه‌پرستی به چندخدایی (خدای مذکر و خدای مؤنث) و شرک می‌انجامد و خطر الوهیت انسان را تأیید می‌کند. در واقع، آنان خداوند را همانند انسان و تصمیم‌گیری‌های او را همانند تصمیمات انسانی پنداشته‌اند که مصالح فردی یا گروه مربوط به خود را ترجیح می‌دهد. این دیدگاه به انسان تعالی نمی‌بخشد و هدایت اخلاقی را نادیده می‌گیرد (برانچ، ۲۰۰۴، ص ۸). بنابراین، تصور مردانه یا زنانه از خدا (پدر مقدس یا الهه) تصور نادرستی است که در الهیات کتب مقدس (تحریف‌شده) پیشین وجود دارد و در الهیات صحیح دینی، خداوند، خالق موجودات و فراجنسیتی است.

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: آل بویه، ۱۳۹۲، ص ۳۲-۴۸.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ادله اخلاقی فمینیست‌های رادیکال بر جواز سقط جنین، ستم مردان علیه زنان و دخالت در امور آنان است. از نظر رادیکال فمینیست‌ها، یکی از علل مهم زمینه‌ساز ستم بر زنان، الهیات مردسالارانه کتب مقدس است که در طول هزاران سال به تسلط مردان بر زنان صحنه گذاشته است. رادیکال فمینیست‌ها آزادی سقط جنین را گامی مثبت برای رهایی زنان از ستم مردان تلقی کرده، معتقد بودند باید از آن به عنوان یک آرمان دفاع کرد. در این راستا، آنان مبانی فرودستی زنان را در الهیات کتب مقدس نقد کردند و به این نتیجه رسیدند که برای آزادی سقط جنین باید از الهیات مردسالارانه رهایی یافت. این استدلال فمینیست‌های رادیکال نقد و رد شد. مری دیلی و رزماری رویتر ادعا کردند خدای پدر و دستورات او منشأ ستم بر زنان است؛ بنابراین، پرستش الهه را جایگزین پرستش خدای پدر و دستورات مردسالارانه او اعلام نمودند. در آیین الهه‌پرستی ترویج شده از سوی آنان، سقط جنین برای زنان آزاد و به انتخاب آنان وابسته است. در نقد این دیدگاه افزون بر آنچه در نقد تقریر اول بیان شد، ذکر گردید که الهیات تحریف شده کتب مقدس که خداوند را با عنوان «خدای پدر» معرفی می‌کند، موجب بروز چنین اندیشه‌هایی شده است؛ در حالی که خداوند موجودی فراجنسیتی است و به مصالح و مضار همه مخلوقات و موجودات اشراف دارد و در مقام خالق حکیم و ناظری بی‌طرف، مصالح همه موجودات را با هم در نظر می‌گیرد و این مسئله در الهیات صحیح اسلامی، مشهود است و بر آن تأکید می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. کتاب مقدس: عهد جدید براساس کتاب مقدس اورشلیم (۱۳۸۷)، ترجمه فارسی پیروز سیار، تهران: نشر نی.
۲. کتاب مقدس: برگزیده عهد عتیق (کتاب‌های قانون ثانی) براساس کتاب مقدس اورشلیم (۱۳۸۰)، ترجمه فارسی پیروز سیار، تهران: نشر نی.
۳. آل بویه، علیرضا (۱۳۹۰)، «حق زن بر کنترل بدن خویش»، نقد و نظر، سال ۱۶، شماره ۶۲.
۴. _____، (۱۳۹۲)، «سقط جنین و استدلال ذات نوعی»، نقد و نظر، سال ۱۸، شماره ۷۰.
۵. _____، (۱۳۸۹)، «نفی تک‌ساحتی و میرا بودن آدمی در قرآن»، نقد و نظر، سال ۱۵، شماره ۳.
۶. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۲)، نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، چاپ چهارم، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۷. بیات، عبدالرسول و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۸. بیسلی، کریس (۱۳۸۵)، چپستی فمینیسم، ترجمه محمدرضا زمردی، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۹. تاجور، آذر و سیاوش پورطماسبی (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی منزلت زن در الهیات فمینیستی و اسلام (مهدویت)»، طهورا، سال ۲، شماره ۳.
۱۰. تانگ، روزمری (۱۳۸۷)، درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، سیره پیامبران (علیهم‌السلام) در قرآن، تنظیم و نگارش علی اسلامی، چاپ هفتم، قم: مرکز نشر اسرا.
۱۲. دوبوار، سیمون (۱۳۸۲)، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، جلد دوم، تهران: توس.
۱۳. دورانت، ویل (۱۳۹۰)، تاریخ تمدن (قیصر و مسیح)، ترجمه حمید عنایت، پرویز داریوش و ...، جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. راسل، برتراند (۱۳۵۴)، زن‌شویی و اخلاق، ترجمه مهدی افشار، تهران: انتشارات کاویان.
۱۵. رادفورد رویتر، رزماری (۱۳۹۳)، «شکل‌گیری الهیات فمینیستی مسیحی»، ترجمه محمدمبین خوانساری، خردنامه، شماره ۱۳.
۱۶. رودگر، نرجس (۱۳۸۸)، فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۷. ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۱۸. سامرویل، جنیفر (۱۳۸۸)، فمینیسم و خانواده، ترجمه محمود ارغوان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۹. صادقی، هادی و فاطمه نیازکار (۱۳۹۵)، «جنسیت و روح در مبانی حکمت متعالیه با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی»، فصلنامه پژوهشی/اندیشه نوین دینی، سال ۱۲، شماره ۴۵.
۲۰. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۸۹)، اخلاق ناصری، تصحیح عزیزالله علیزاده، چاپ سوم، تهران: فردوس.

۲۱. گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶)، *جنگ علیه خانواده*، ترجمه و تلخیص معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۲۲. لگیتس، مارلین (۱۳۹۱)، *زنان در روزگارشان: تاریخ فمینیسم در غرب*، ترجمه نیلوفر مهدیان، تهران: نشر نی.
۲۳. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، *از جنبش تا نظریه اجتماعی*، تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران: نشر پژوهش شیرازه.
۲۴. ملایوسفی، مجید (۱۳۸۸)، «بررسی و نقد دیدگاه جودیت جارویس تامسون در دفاع از سقط جنین»، *پژوهش‌های فلسفی*، شماره ۴۲.
۲۵. موسوی، سید موسی (۱۳۹۱)، «نگاه اسلام و فمینیسم به تفاوت‌های زن و مرد»، *ماهنامه پیام زن*، دوره اول، شماره ۲۴۷.
۲۶. مهدوی حاجی، روح‌الله (۱۳۹۴)، «تفاسیر فمینیستی از فصل شانزدهم سفر پیدایش از کتاب مقدس و نقد آن» (داستان ازدواج حضرت ابراهیم علیه السلام با هاجر)، *پژوهش‌نامه زنان*، سال ۶، شماره ۴.
۲۷. میشل، آندره (۱۳۷۸)، *فمینیسم جنبش اجتماعی زنان*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: نشر نیکا.
۲۸. نیازکار، فاطمه و حسین دیا (۱۳۹۵)، «جنسیت و اخلاق از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی»، *اخلاق و حیاتی*، سال ۵، شماره ۱.
۲۹. هام، مگی و سارا گمبل (۱۳۸۲)، *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه فیروزه مهاجر، فرخ قره‌داغی و نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر توسعه.
۳۰. هیلویت، سیلویا آن و کورنل وست (۱۳۸۹)، *جنگ علیه والدین*، ترجمه و تلخیص معصومه محمدی، قم: نشر معارف.
۳۱. هیوود، اندرو (۱۳۷۹)، *درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
32. Boonin-vail, David (2011), "A Defense of A Defense of Abortion", *The University of Chicago Press*, on: <http://www.jstor.org/stable/2381949>.
33. Branch, Alan (Fall 2004), "Radical Feminism and Abortion Rights", A Brief Summary and Critiquein, *Journal for Biblical Manhood and Womanhood*, (JBMW 09:2).
34. Daly, Mary (1978), *Beyond God the Father: Toward of philosophy of woman`s Liberation*, New reintroduction 1985, boston: Beacon press.
35. Firesstone, shulamit (1970), *The Dialectice of Sex*, the Case for Feminist Revolution, New York: Bantham.
36. Haghsheenas, Mohammad, Samei, Hossein, Entekhabi, Nargues (2001), "*Farhang Moaser, English- Persian millennium dictionary*", Tehran: Entekhabi Nargues .volume1.
37. Haslanger, Sally Tuana, Nancy, and O'Connor, Peg (2013), "*Topics in Feminism*", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, (in: [https://en. Stanford Encyclopedia of Philosophy/](https://en.Stanford Encyclopedia of Philosophy/). Topics in Feminism)

38. Kaczor, Christopher (2011), *The Ethics Of Abortion Women's Rights, Human Life, And The Question Of Justice*, First published, New York: Routledge.
39. Markowitz, Sally (1998), "A Feminist Defense Of Abortion", at : poyman, Louis p. and Beckwith, Francis j, *The abortion controversy*, Wadsworth publishing company .
40. Paris, Ginette (1992), *The Sacrament of Abortion*, Dallas, spring Publications.
41. Ruether, Rosemary Radford (1983), *Sexism and God talk*, Boston: Beacon press , p:61.
42. _____ (1987), "Christianity Edited by Arvind Sharma", *Women in World religions*, published by state university of New York.
43. Whitbeck, Caroline (2004), *taking women seriously as people, The moral implications for abortion*, chapter 27. At: poyman, Louis p. and Beckwith, Francis j, international, Thomson publishing company.
44. <http://www.onlineEthics.org>.